

بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی مرتبط با پلیس بر احساس امنیت اجتماعی

تاریخ پذیرش: 1398/09/21

تاریخ دریافت: 1398/07/02

سعید گودرزی¹

از صفحه 163 تا 190

چکیده

زمینه و هدف: امروزه اهمیت امنیت برای جامعه بر هیچ کس پوشیده نیست. امنیت دارای دو بُعد عینی و ذهنی (احساس امنیت) است. پژوهش حاضر با هدف «بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی مرتبط با پلیس بر احساس امنیت اجتماعی در استان همدان» انجام گرفته است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، از نوع همبستگی است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق را کلیه ساکنان استان همدان تشکیل می‌دهند، که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد 576 نفر از آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که احساس امنیت اجتماعی در استان همدان با میانگین 3/05 در حد متوسط است. پاسخگویان به ترتیب دارای بیشترین احساس امنیت در ابعاد امنیت مالی (3/17)، جانی (3/137)، شغلی (3/008) و اخلاقی (2/784) بوده‌اند. یافته‌ها بیانگر رابطه بین متغیرهای پیشگیری از وقوع جرایم توسط پلیس ($\beta=0/27$)، ارائه خدمات اجتماعی توسط پلیس ($\beta=0/12$)، رضایتمندی از پلیس ($\beta=0/15$)، همکاری و مشارکت با پلیس ($\beta=0/23$)، اعتماد به پلیس ($\beta=0/10$) و احساس انومی ($\beta=-0/22$) با احساس امنیت اجتماعی هستند.

نتیجه‌گیری: سرمایه اجتماعی پلیس و توانمندی و فعالیت اجتماعی پلیس رابطه مستقیمی با افزایش احساس امنیت اجتماعی در میان شهروندان دارد و با افزایش این متغیرهای اجتماعی مرتبط با پلیس، احساس امنیت شهروندان افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: رضایتمندی، اعتماد، احساس انومی، مشارکت، احساس امنیت اجتماعی.

مقوله امنیت و تأمین آن، از هنگام پیدایش حیات و از ابتدای خلقت بشر مطرح و انسان همواره در پی یافتن راهی برای مقابله با جرم و تأمین امنیت خویش بوده است. به تدریج که اجتماعات شکل می‌گیرند، تعاملات انسانی افزایش می‌یابد و همسو با اجتماعی شدن بشر، امنیت نیز در حوزه مسایل اجتماعی مطرح می‌شود (علی‌نژاد، 1388: 32). به تعبیر پکاکوسی¹، عصر پس از انقلاب فرانسه که آزادی بالاترین هدف انسان بود، به عصری تغییر یافته است که جستجوی امنیت جمعی مشخصه آن است (هلن²، 2010). تولید و حفظ امنیت از دیرباز تاکنون جزء مسئولیت دولت‌ها و نیروهای امنیتی به ویژه پلیس بوده است. در ایران، تأمین نظم، امنیت و آسایش عمومی طبق قانون ناجا³ از وظایف نیروی انتظامی است. ماده 4 قانون نیروی انتظامی نیز استقرار نظم و امنیت در جامعه را جزء وظایف و مأموریت‌های اصلی پلیس ایران دانسته است. بنابراین در ایران تأمین بخشی از وظایف ایجابی دولت در تأمین امنیت است که توسط نیروی انتظامی به عنوان نماینده قانونی دولت در قالب وظایف و مأموریت‌ها، صورت می‌پذیرد تا موجب مصونیت (فقدان جرم و جنایت) و آسودگی خاطر (احساس امنیت) اعضای جامعه در فعالیت‌های روزمره اجتماعی، محل‌های کسب و کار و تردد، زندگی خصوصی، تعاملات اجتماعی، حفظ ارزش‌های دینی و ملی، تأمین بخشی از رفاه و آسایش و در نهایت ارتقای منزلت اجتماعی آنان در شبکه تعاملات اجتماعی گردد (کریمایی، 1389: 8).

امنیت دارای انواعی گوناگونی از جمله امنیت ملی، داخلی، عمومی، فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... است. بین دو مفهوم امنیت و احساس امنیت تمایز وجود دارد. احساس امنیت مفهومی درونی و ذهنی است، ولی امنیت مفهومی بیرونی و عینی است. پس امنیت یعنی فقدان عوامل تهدیدکننده فرد و احساس امنیت به معنای عدم وجود احساس درونی ناامنی است. احساس امنیت عبارت است از: نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرام‌بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدها) در شرایط فعلی و آتی، در

1-Pekka Kuusi
2- Helne

حوزه‌های امنیتی اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی یکپارچگی و امنیت سرزمین (تاجران و دیگران، 1388: 565). احساس امنیت به عنوان یک پدیدهٔ روانشناختی و اجتماعی، تحت تأثیر تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط متفاوت اجتماعی است که انسان‌ها برای دستیابی به زندگی سالم و تداوم روابط اجتماعی نیازمند آن هستند. امنیت اجتماعی نیز یکی از انواع امنیت است که به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می‌شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه، سازمان‌ها و دولت می‌باشد و در حد واسط امنیت فردی و امنیت ملی قرار می‌گیرد.

احساس نامنی مختص به گذشته نبوده و در حال حاضر نیز پژوهش‌های و شاخص‌ها در داخل و خارج نشان دهنده وجود این وضعیت در کشور است. نتیجهٔ نظرخواهی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) نشان می‌دهد که 81 درصد از ایرانیان به گونه‌ای احساس نامنی می‌کنند (نبوی و دیگران، 1388: 10-11). نتایج پژوهش‌های انجام شده در استان همدان نیز نشان می‌دهند که احساس امنیت اجتماعی در استان همدان در وضعیت مناسبی قرار ندارد و مردم این استان احساس امنیت اجتماعی بالایی ندارند (پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، 1379 و 1382)، حسینی اخگر و دیگران (1393 و 1395)، قدسی و دیگران (1396). یکی از عوامل تداوم عدم احساس امنیت اجتماعی در جامعه، نبود الگوی جامع و بهینه برای ارتقاء احساس امنیت اجتماعی در جامعه می‌باشد، که بی‌شک این مشکل از طریق تحقیقات اجتماعی برطرف خواهد شد. لذا پژوهش حاضر در پی تدوین مدلی به منظور تبیین و پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی بر اساس برخی متغیرهای اجتماعی مرتبط با پلیس در استان همدان است، که برای دستیابی به این هدف، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که میزان تأثیر عوامل اجتماعی مرتبط با پلیس بر احساس امنیت اجتماعی در استان همدان چقدر است؟

مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش

1) احساس امنیت اجتماعی¹: احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از این که ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرد یا به مخاطره افتد و به نبود هراس و بیم نسبت

1- Societal security feeling

به حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (مظلوم خراسانی و اسمعیلی، 1389: 225). احساس امنیت اجتماعی دارای ابعاد جانی، مالی، شغلی و اخلاقی است، که در ذیل به تعریف آنها پرداخته می‌شود:

الف) امنیت جانی: یعنی تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب‌هایی که مانع ادامه حیات آنان شود (ساروخانی و نویدنیا، 1385: 94). بنابراین شرایط امنیت جانی شرایطی است که هیچ‌گونه تهدیدی بر علیه جان افراد جامعه وجود نداشته باشد (نبوی و دیگران، 1389: 82).

ب) امنیت مالی: امنیت مالی عبارت است از: تضمین دارایی‌های خانواده از سرقت و دزدی و اطمینان خاطر که از تأمین نیازهای مادی و مالی خانواده حاصل می‌شود (ساروخانی و نویدنیا، 1385: 94-95). به عبارت دیگر منظور از امنیت مالی این است که دارایی و اموال افراد تا چه حد در امنیت می‌باشد و این دارایی‌ها مورد تهدید قرار نمی‌گیرند (صمدی بگه جان، 1384: 73).

پ) امنیت شغلی: منظور از امنیت شغلی، تواناسازی، تضمین حقوق و مزایای شغلی افراد و تأمین شرایط و اوضاع و احوالی است که افراد نگران از دست دادن شغل خود نباشند.

ت) امنیت اخلاقی: امنیت اخلاقی عبارت است از: تضمین اصول و الگوهای اخلاقی در روابط و مناسبات افراد مانند اعتماد، صداقت، حسن نیت، سعه‌ی صدر، خیرخواهی و غیره (ساروخانی و نویدنیا، 1385: 95).

2) پیشگیری از وقوع جرایم: پیشگیری به معنای احتراز و حذر کردن و محفوظ داشتن آمده است. در مطالعات و تحقیقات اجتماعی، پیشگیری جهت بسیج مجموعه‌ی اعمال و تدابیر منظم، منتظم و سازمان یافته‌ای است که هدف آن جلوگیری از تکوین، ظهور و بروز مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی و بهداشتی است (آراسته خو، 1381: 370).

3) ارائه خدمات اجتماعی: خدمت عبارت از فعالیتی جانبی است که با هدف بهبود و ارتقای اجتماعی انجام می‌گیرد.

4) رضایتمندی از پلیس: رضایتمندی از پلیس همان ارزیابی مثبت یا منفی از پلیس بر اساس آرزوها، خواسته‌ها و تمایلات فردی، اجتماعی با توجه به دستاوردهای واقعی و عینی می‌باشد.

5) همکاری و مشارکت¹ با پلیس: مشارکت کلمه‌ای عربی و از باب مفاعله است و معادل فارسی آن «همراهی و همبازی» است. معنای دیگر آن «شریک شدن»، «هم‌دست شدن در کاری» و «نحوه اشاعه و همکاری کردن» است (حامد مقدم، 1373: 285). مشارکت اجتماعی نیز به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضاء یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، 1375: 108).

6) اعتماد² به پلیس: اعتماد اجتماعی شامل اطمینان نسبت به مقاصد و انگیزه‌های دیگران و یکرنگی و صمیمیت در اعمال و گفتار آنها است. اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی است که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند (ازکیا و غفاری، 1380: 90).

نظریه آسیب‌پذیری: نظریه آسیب‌پذیری دارای نگاهی جامعه جمعیت‌شناسانه است و دارای محققانی همچون مکینتایر³ (1967)، باکس و هیل است. این محققین معمولاً در مطالعات خود بر عواملی همچون جنسیت، سن و موقعیت اجتماعی و اقتصادی تأکید کرده‌اند. در این رویکرد آسیب‌پذیری، جنسیت بیشترین قابلیت را برای توضیح و پیش‌بینی احساس ناامنی دارد (حسینی، 1386: 13). همچنین در این رویکرد باور بر این است که افراد مسن بیش از دیگران می‌ترسند و این ترس ممکن است آنها را در خانه-هایشان محبوس کند. این پدیده نیز پارادوکس دیگری را ایجاد کرده است، چون به رغم ترس بالای افراد مسن، آمارها نشان می‌دهد که آنها در مقایسه با دیگر گروه‌های سنی، کمتر در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند. جنسیت و سن در اثرگذاری بر احساس ناامنی با یکدیگر تعامل دارند. عقیده کلی آن است که تأثیر سن از این نظر، بر مردان بیش از

1-Collaboration and participation

2-Trust

3- Mcintyre

زنان است. به بیان دیگر، زنان معمولاً صرف نظر از سن خود، بیشتر می‌ترسند و حال این که در مردها این ترس، متناسب با بالا رفتن سن، افزایش می‌یابد. همراه با افزایش سن، نقش تفاوت‌های جنسیتی در پیدایش احساس ناامنی کاهش می‌یابد (حسینی، 1386: 15).

نظریه کنترل اجتماعی: نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی معتقدند برای این که بتوان نظم اجتماعی را برقرار نگاه داشت، باید رفتارهای اجتماعی الگو شده‌ای را از طریق فراگرد اجتماعی شدن و به کمک نظارت اجتماعی به اعضای جامعه تلقین یا تحمیل کرد. بر طبق این نظریه، کنترل و نظارت اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن و هم‌نوایی با جامعه باشد (محسنی، 1383: 90). از مهم‌ترین صاحب‌نظران مکتب کنترل اجتماعی، تراویس هرشی¹ می‌باشد. او موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد. هرشی پیدایش کجروی را معلول ضعف و فقدان همبستگی در گروه‌ها و نهادها و سازمان‌های اجتماعی و همچنین تضعیف اعتقادات اجتماعی موجود در جامعه می‌داند (هرشی، 1969). هرشی معتقد است که بین همبستگی اجتماعی و کجروی رابطه وجود دارد. در واقع هر چه همبستگی متقابل بین اعضاء جامعه بیشتر باشد، امکان اعمال کنترل جامعه بر اعضاء بیشتر خواهد بود و هر چه کنترل قوی‌تر باشد، انحراف کمتر خواهد بود (هلاکویی، 1356: 211). او بر این اعتقاد است که کج رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان افراد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته گردد. هرشی معتقد است که انسان‌ها در جامعه با چهار عنصر به هم پیوند می‌خورند: وابستگی یا تعلق خاطر؛ تعهد؛ مشارکت و باور. بر مبنای این نظریه هر چه میزان تعهد و مشارکت فرد کمتر باشد، پیوندش با جامعه سست‌تر است و احتمال مجرم بودن بیشتر خواهد بود. از نظر هرشی خانواده و جامعه دو عامل مهم ایجاد این پیوند هستند.

نظریه تجربه قربانی شدن: بر اساس این نظریه تجربه قربانی شدن²، احساس ناامنی به این امر بستگی دارد که ما تجربه مستقیم و یا غیرمستقیمی (از طریق شنیده‌ها، تماس با دیگران یا رسانه‌های جمعی) از جرم (یا هرگونه انحراف دیگر) داشته باشیم. طبق این نظریه، جرم از طریق تجربه مستقیم و غیرمستقیم بر احساس امنیت تأثیر می‌گذارد

1- Hirschi
2- Victimization

(اسکوگن و مکسفیلد، 1980). تحلیل‌گران این نظریه معتقدند هرچه تجربه قربانی شدن یا احتمال قربانی شدن بیشتر باشد، احساس ناامنی بیشتر است. این متفکران سطح احساس ناامنی در جامعه را معلول سطح فعالیت مجرمانه در جامعه می‌دانند (بوئر¹، 2003). هرگاه فرد خودش را با فرد قربانی مقایسه کند، احساس آسیب‌پذیری وی افزایش می‌یابد (فونگ، 2008: 35). احساس ناامنی هم به نوع جرم و هم به ویژگی‌های فرد قربانی بستگی دارد. به عنوان مثال، کسی که قربانی جرایم خشن شده، نسبت به کسی که قربانی سرقت شده، احساس ناامنی بیشتری از جرم دارد (رانتری، 1998).

نظریه آنتونی گیدنز: از نظر گیدنز، امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص، مقابله شده و یا به حداقل رسانده شده باشند. تجربه امنیت به تعادل، اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت چه به معنای بالفعل و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به انبوهه‌ها یا مجموعه‌هایی از آدم‌ها تا حد امنیت جهانی و یا به افراد ارتباط داشته باشند (گیدنز، 1377: 44). به این ترتیب گیدنز مصونیت در برابر خطر را امنیت می‌داند. در نظر وی، خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که وقتی روی امنیت در دست است، خطر حداقل است و به عکس زمانی که با خطر دست و پنجه نرم می‌کنیم، امنیت مغشوش و پنهان است. بنابراین گیدنز دو وجه از زندگی را در راستای دو وجه از امنیت طرح می‌کند. امنیت در وجه عینی به شیوه زندگی نظر دارد، یعنی امکان زندگی برای تمامی افراد به گونه‌ای که در جوامع مدرن تعریف می‌شود، فراهم گردد و افراد جامعه از سطح قابل قبولی برای گذران زندگی و انتخاب شیوه زندگی بهره‌مند باشند. اما امنیت در وجه ذهنی به خشنودی و رضایت فرد از خویش نظر دارد که با نحوه انتخاب راه و روش زندگی وی محقق می‌شود (صالحی امیری و افشاری نادری، 1390: 59-60). یکی از مباحث گیدنز در مورد امنیت، بحث امنیت وجودی² است. امنیت وجودی به وضعیت ذهنی راحت و مناسبی اشاره دارد که در آن فرد به فعالیت بدیهی، در محیطی آشنا و به همراه افراد دیگری که تهدیدی برای او به وجود نمی‌آورند، مشغول است. به سخن دیگر، زمانی که فرد می‌داند چگونه به کار خود ادامه دهد، بدون این که وقفه و مزاحمتی برای او بوجود آید، حالتی

1-Boers

2-Ontological Security

ذهنی و روانی در وی بروز می‌کند که همان امنیت وجودی است (کوهن، 1379: 430). گیدنز احساس ناامنی زنان را به دوران جدید بسط مدرنیته و پیامدهای آن نسبت می‌دهد. از نظر شناختی، ظهور مدرنیته و به ویژه تشدید فرایندهای جهانی‌سازی موجب تضعیف تفاوت‌های جنسیتی سنتی شد و از نظر ساختاری، حضور زنان در قلمروهای عمومی، گفتمان حاکم در خصوص مردانگی و زنانگی را زیر سؤال برد (گیدنز، 2002: 106-105).

در پژوهش انتظاری و دیگران (1394) احساس امنیت اجتماعی، با میانگین 2/92 در حد متوسط بوده و متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نگرش به عملکرد نیروی پلیس و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم داشته‌اند. تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که به ترتیب میزان اعتماد اجتماعی، نگرش به عملکرد نیروی انتظامی، میزان مشارکت اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان، در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان سهم عمده‌ای داشته و این متغیرها 32/2 درصد واریانس احساس امنیت اجتماعی را تبیین کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش سلطانی بهرام و دیگران (1394) نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین پیشگیری انتظامی از جرم و احساس امنیت وجود دارد. همچنین، ارتباط احساس امنیت با متغیرهای شناخت مردم از وظایف نیروی انتظامی، ضابطه‌مندی پلیس و تعامل پلیس با سازمان‌های دولتی مثبت و معنادار بوده است.

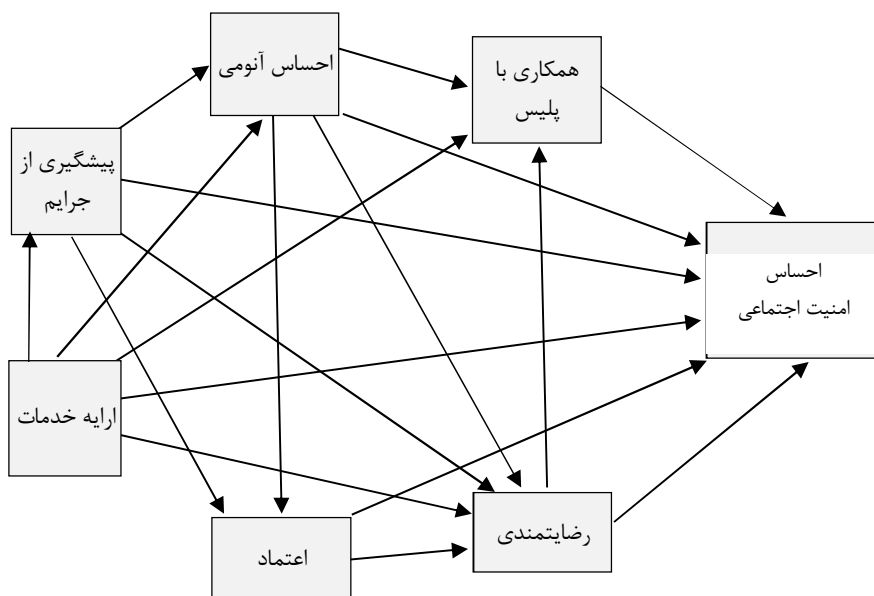
حسینی اخگر و دیگران (1395) در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که بین متغیرهای جنس، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نگرش به عملکرد پلیس، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، اعتماد اجتماعی و میزان دینداری با احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود داشته است. اما بین متغیرهای وضعیت تأهل و قومیت با احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود نداشته است. فرج پور و دیگران (1397) در مطالعه‌ای که با عنوان «بررسی عملکرد پلیس بر احساس امنیت عمومی از دیدگاه شهروندان» انجام داده، که یافته‌ها حکایت از آن دارند که احساس امنیت عمومی و ابعاد آن با عملکرد پلیس (توانمندی‌های پلیس، رفتار حرفه‌ای و فعالیت‌های اجتماعی پلیس) رابطه مثبت معنادار دارد.

نتایج به دست آمده از پژوهش دسترنج و دیانت (1397) با عنوان «تبیین رابطه سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی در شهر بندرعباس» گویای آن است که بین سرمایه اجتماعی پلیس با امنیت اجتماعی رابطه معنادار آماری وجود دارد. همچنین میان ابعاد سه گانه سرمایه اجتماعی پلیس (اعتماد به پلیس، مشارکت با پلیس، آگاهی از فعالیت‌های پلیس) و امنیت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

یافته‌های پژوهش تومالویکس¹ و همکاران (2016) با عنوان «امنیت عمومی در لیتوانی» نشان داد که ضعف عملکرد پلیس منجر به بحران‌هایی در احساس امنیت شهروندان می‌شود و عملکرد پلیس تأثیر زیادی بر احساس امنیت عمومی شهروندان دارد.

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مبانی نظری، پیشینه پژوهش و فرضیه‌های ارائه شده، مدل مفهومی این پژوهش بر اساس متغیرهای اجتماعی مرتبط با پلیس و احساس امنیت اجتماعی در شکل زیر ارائه شده است:



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش

1 -Tumalavičius

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه ساکنان استان همدان بود. تعداد نمونه‌های تحقیق نیز بر اساس فرمول کوکران برابر با 384 نفر تعیین گردید، اما از آنجایی که جامعه آماری پراکنده بود به تعداد حجم نمونه ضریب 1/5 داده شد. بنابراین تعداد حجم نمونه پژوهش 576 نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری هم روش نمونه‌گیری طبقه‌ای بود. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه می‌باشد که برای تأمین روایی (اعتبار)¹ درونی آن از روایی محتوایی² استفاده شد. برای تأمین روایی سؤال‌های پرسشنامه پس از تدوین در اختیار چند تن از اساتید مجرب و متخصصان سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفت و بعد از گردآوری نظرات آنها اعتبار صوری ابزار پژوهش تأمین شد. برای تأمین روایی بیرونی تحقیق هم سعی گردید نسبت حجم نمونه به حجم جامعه متناسب باشد.

برای سنجش میزان پایایی (قابلیت اعتماد)³ از ضریب آلفای کرونباخ⁴ استفاده شد که نتایج آن به شرح ذیل می‌باشد:

جدول 1- مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

آلفای کرونباخ	متغیر	آلفای کرونباخ	متغیر
0/90	میزان پیشگیری از وقوع جرایم	0/93	احساس امنیت اجتماعی
0/84	میزان آرایه‌ی خدمات اجتماعی	0/88	جانی
0/83	میزان رضایتمندی از پلیس	0/89	مالی
0/94	میزان همکاری و مشارکت با پلیس	0/76	شغلی
0/75	میزان اعتماد به پلیس	0/90	اخلاقی
0/76	میزان احساس انومی		

1-Validity

2- Construct Validity

3- Reliability

4- Cronbachs Coefficient Alpha

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

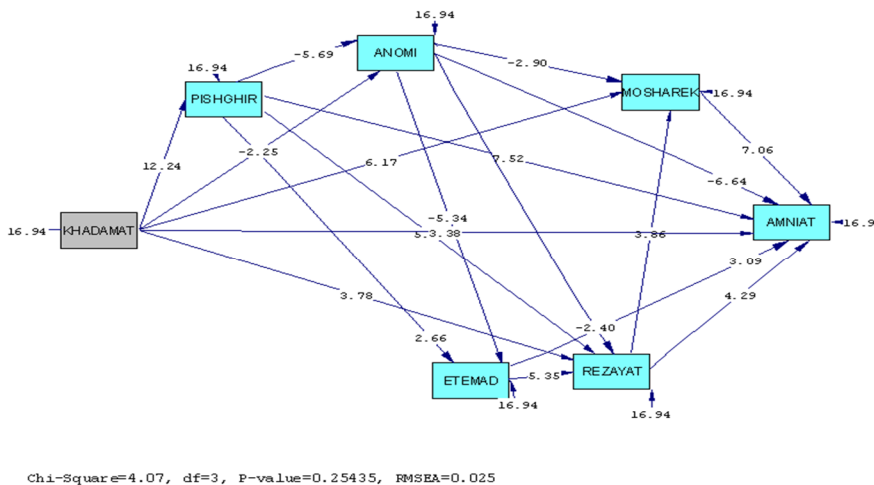
جدول 2- توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای پاسخگویان

درصد	فراوانی	متغیر	
49/50	285	زن	جنس
50/50	291	مرد	
44/8	258	متاهل	تاهل
55/2	318	مجرد	
45/5	262	روستا	محل سکونت
54/5	314	شهر	
20/3	117	15-19 سال	سن
32/1	185	20-29 سال	
13/9	80	30-39 سال	
20/5	118	40-49 سال	
9/4	54	50-59 سال	
3/8	22	60-64 سال	
3/1	18	بی سواد	تحصیلات
14/1	82	ابتدایی	
14/8	85	راهنمایی	
53/1	305	متوسطه و دیپلم	
14/9	86	دانشگاهی	

30/4 درصد پاسخگویان احساس امنیت اجتماعی کمی داشته‌اند. این در حالی است که 38 درصد تا حدودی، 27/6 درصد زیاد و 4 درصد خیلی زیاد احساس امنیت اجتماعی داشته‌اند. میانگین احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان نیز 3/05 (از دامنه 5-1) بوده است. پاسخگویان به ترتیب دارای بیشترین احساس امنیت در ابعاد مالی با میانگین 3/17، جانی با میانگین 3/13، شغلی با میانگین 3/008 و اخلاقی با میانگین 2/78 بوده‌اند. بنابراین پاسخگویان دارای بیشترین احساس امنیت در بُعد مالی و کمترین احساس امنیت در بُعد اخلاقی بوده‌اند.

ب) یافته‌های استنباطی

سوال اول پژوهش این بود که آیا مدل تدوین شده توان تبیین و پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی در استان همدان را دارد یا خیر؟ برای بررسی مدل به تخمین پارامترهای مدل به روش حداکثر درست نمایی (ML)¹ پرداخته شد. برای این که بدانیم که چه پارامترهایی باید از مدل حذف شوند، به مقادیر t و سطح معناداری آن در مدل توجه می‌کنیم. در صورتی که مقدار t بین $\pm 1/96$ باشد، نشان می‌دهد که پارامتر مربوطه در سطح $0/05$ تفاوت معناداری با صفر ندارد. بنابراین مسیرهایی که مقدار t آن‌ها بین $\pm 1/96$ باشد، غیرمعنادار محسوب می‌شوند. حال به بررسی مدل پژوهش پرداخته می‌شود. شکل ذیل بیانگر آن است که مقدار t هیچ کدام از مسیرها بین $\pm 1/96$ قرار ندارند.

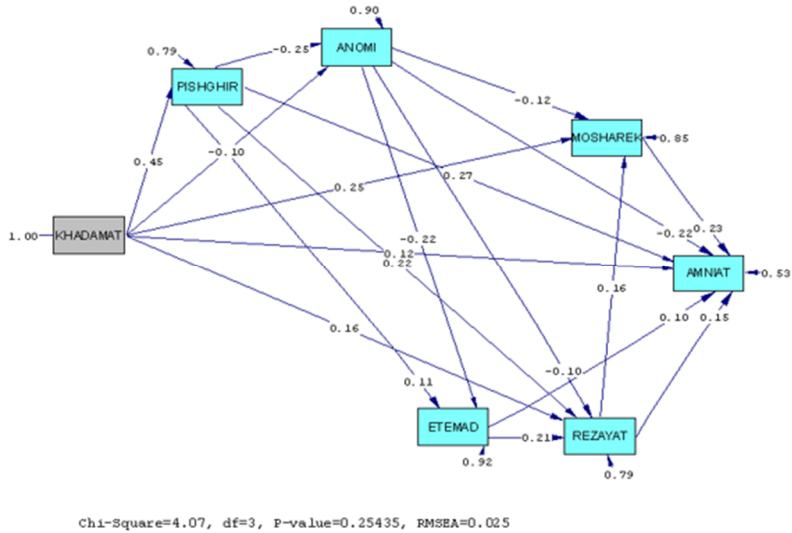


شکل 2- مدل ساختاری با ضرایب t

ضرایب استاندارد (Beta) متغیرها را از مقیاس آزاد می‌کنند، بنابراین امکان مقایسه پارامترهای مدل با همدیگر را فراهم می‌کنند. ضرایب بتا با آزاد کردن مقیاس متغیرها نشان می‌دهند، هر واحد تغییر در متغیر مستقل در صورتی که سایر متغیرهای مستقل

1-Maximum likelihood

ثابت فرض شوند، چه میزان تغییر در متغیر وابسته ایجاد می‌شود. این ضرایب در شکل 3 ارائه شده‌اند:



شکل 3- مدل ساختاری با ضرایب استاندارد

جدول 3- برآورد به روش حداکثر درست‌نمایی برخی شاخص‌های ارزیابی برازش برای مدل اولیه و مدل نهایی

مدل نهایی		مدل اولیه		جهت تأثیر
t	Beta	t	Beta	
3/38	0/12	3/38	0/12	تأثیر ارایه خدمات بر امنیت
12/24	0/45	12/24	0/45	تأثیر ارایه خدمات بر پیشگیری
-2/25	-0/10	-2/25	-0/10	تأثیر ارایه خدمات بر آنومی
3/78	0/16	3/78	0/16	تأثیر ارایه خدمات بر رضایتمندی
6/17	0/25	6/17	0/25	تأثیر ارایه خدمات بر مشارکت
.....	0/025	0/01	تأثیر ارایه خدمات بر اعتماد
7/52	0/27	7/53	0/27	تأثیر پیشگیری بر امنیت
-5/69	-0/25	-5/69	-0/25	تأثیر پیشگیری بر آنومی
2/66	0/11	2/31	0/11	تأثیر پیشگیری بر اعتماد
5/08	0/22	5/08	0/22	تأثیر پیشگیری بر رضایتمندی
-6/64	-0/22	-6/64	-0/22	تأثیر آنومی بر امنیت

مدل نهایی		مدل اولیه		جهت تأثیر
t	Beta	t	Beta	
-5/34	-0/22	-5/30	-0/22	تأثیر آنومی بر اعتماد
-2/40	-0/10	-2/40	-0/10	تأثیر آنومی بر رضایتمندی
-2/90	-0/12	-2/90	-0/12	تأثیر آنومی بر مشارکت
3/09	0/10	3/09	0/10	تأثیر اعتماد بر امنیت
5/35	0/21	5/35	0/21	تأثیر اعتماد بر رضایتمندی
.....	-0/26	-0/01	تأثیر اعتماد بر مشارکت
4/29	0/15	4/28	0/15	تأثیر رضایتمندی بر امنیت
3/86	0/16	3/81	0/16	تأثیر رضایتمندی بر مشارکت
7/06	0/23	7/06	0/23	تأثیر مشارکت بر امنیت
4/07		3/93		x^2
3		1		d.f
0/25435		0/04751		p-value
0/025		0/071		RMSEA
0/013		0/013		Standardized RMR

برای بررسی میزان برازش مدل (یعنی سازگاری مدل با داده‌ها یا نزدیکی ماتریس کوواریانس نمونه (S) به ماتریس کوواریانس تخمینی جامعه آماری) به دو آزمون کای اسکوئر (x^2) و RMSEA توجه می‌کنیم. فرض صفر در آزمون کای اسکوئر این است که مدل به طور کامل با داده‌های جامعه آماری برازش دارد. و فرض مخالف این است که مدل مورد نظر، از برازش کامل برخوردار نیست و مدل رد می‌شود. هرچه مقدار کای اسکوئر کوچک‌تر و P آن بزرگ‌تر باشد، فرضیه برازش مدل با داده‌ها بیشتر تقویت می‌شود و برازش داده‌ها به مدل بهتر است. در مدل پژوهش حاضر $x^2 = 4/07$ ، $d.f = 3$ و $p\text{-value} = 0/25435$ می‌باشد. با این مقدار کای اسکوئر و درجه آزادی از هر صد مرتبه، بیست و پنج مرتبه فرض عدم سازگاری مدل با داده‌ها یا فرض وجود اختلاف بین ماتریس داده شده برای تحلیل و ماتریس باز تولید شده رد می‌شود. به تعبیر دیگر از هر صد بار، بیست و پنج مرتبه فرضیه صفر حاکی از برازش مدل به داده‌ها تقویت می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم مدل با داده‌های نظری برازش دارد. در استفاده از کای اسکوئر باید محتاط بود. زیرا مقدار کای اسکوئر نسبت به حجم نمونه حساسیت دارد. بنابراین به معیار دیگری برای تعیین برازش کل مدل، یعنی ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب

توجه می‌کنیم. زمانی که مقدار این آماره کمتر از 0/05 باشد، نشان می‌دهد که مدل از برازش خوبی برخوردار است. با توجه به این که مقدار این آماره در مدل 0/025 است، بنابراین نتیجه می‌گیریم مدل با داده‌های نظری برازش دارد. علاوه بر دو معیار قبلی، مقدار باقیمانده‌های استاندارد شده نیز به عنوان معیاری برای ارزیابی برازش داده‌ها به مدل مورد استفاده قرار می‌گیرند. مقادیر باقیمانده استاندارد شده در قسمت Standardized RMR ارائه می‌شود. زمانی که مقدار این آماره کمتر از 0/05 باشد، بیانگر قابل قبول بودن برازش مدل است. در پژوهش حاضر مقدار مقادیر باقیمانده استاندارد شده برابر 0/013 است که نشان‌دهنده قابل قبول بودن برازش مدل است. خلاصه ارزیابی برازش مدل نهایی پژوهش در جدول زیر ارائه است:

جدول 4- شاخص‌های ارزیابی برازش مدل نهایی

نام شاخص	مقدار قابل قبول برای برازش مطلوب مدل	مقدار مدل پژوهش	نتیجه
آماره کای اسکوئر	$P > 0/05$ باشد	$\chi^2 = 4/07$ $p = 0/23435$	قابل قبول
RMSEA	کوچکتر از 0/05	0/025	قابل قبول
Standardized RMR (باقیمانده استاندارد شده)	کمتر از 0/05	0/013	قابل قبول
GFI (شاخص برازندگی) ²	بزرگ تر از 0/90	1	قابل قبول
AGFI ³ (برازندگی تعدیل یافته)	بزرگ تر از 0/90	0/98	قابل قبول
NFI (برازش نرم شده)	بزرگتر از 0/90	1	قابل قبول
NNFI ⁴ (برازش غیر نرم)	بزرگتر از 0/90	0/99	قابل قبول
CFI ⁵ (برازش مقایسه‌ای)	بزرگتر از 0/90	1	قابل قبول

1- Absolute Fit Indices
 2- Goodness of Fit Index
 3- Adjusted Goodness of Fit Index
 4- Non-normed Fit Index
 5- Comparative Fit Index

نتیجه	مقدار مدل پژوهش	مقدار قابل قبول برای برازش مطلوب مدل	نام شاخص
قبول			
قابل قبول	1	بزرگتر از 0/90	IFI (برازش افزایشی)
قابل قبول	0/98	بزرگتر از 0/90	RFI (برازش نسبی)

با توجه به مقدار P-value کای اسکوئر، مقدار RMSEA و شاخص‌های جدول فوق نتیجه می‌گیریم مدل ارائه شده با داده‌ها سازگاری دارد و مدل تأیید می‌شود.

میانگین احساس امنیت اجتماعی زنان برابر با 2/61 و مردان 3/47 بوده است. زنان در همه ابعاد، احساس امنیت کمتری نسبت به مردان داشته‌اند. سطح معناداری آزمون لون (F=86/962؛ sig =0/000) نشان می‌دهد که فرض برابری واریانس‌ها رد می‌شود. بنابراین به قسمت عدم برابری واریانس‌ها توجه می‌کنیم. با توجه به سطح معناداری t (t=-13/49؛ sig =0/000) می‌توان گفت که این تفاوت معنادار است. بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

میانگین احساس امنیت اجتماعی افراد مجرد 2/77 و میانگین احساس امنیت اجتماعی افراد متأهل 3/39 است. افراد مجرد در همه ابعاد، احساس امنیت کمتری نسبت به افراد متأهل داشته‌اند. سطح معناداری آزمون لون (F=82/78؛ sig =0/000) نشان می‌دهد که فرض برابری واریانس‌ها رد می‌شود. با توجه به سطح معناداری t (t=-8/88؛ sig =0/000) در قسمت عدم برابری واریانس‌ها می‌توان گفت که این تفاوت معنادار است. بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

میانگین احساس امنیت اجتماعی افراد ساکن در روستا 3/53 و میانگین احساس امنیت افراد ساکن در شهر 2/64 می‌باشد. افراد ساکن در شهر در همه ابعاد، احساس امنیت کمتری نسبت به افراد ساکن روستا داشته‌اند. سطح معناداری آزمون لون (F=19/34؛ sig =0/000) نشان می‌دهد که فرض برابری واریانس‌ها رد می‌شود. بنابراین با توجه به سطح معناداری آزمون t (t= 14/19؛ sig =0/000) در قسمت عدم

برابری واریانس‌ها نتیجه می‌گیریم که این تفاوت معنادار است. بنابراین فرضیه مورد نظر پذیرفته می‌شود.

جدول 5- میانگین احساس امنیت اجتماعی و ابعاد آن بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

		احساس امنیت				ابعاد	
		اجتماعی				اجتماعی	
		اخلاقی	شغلی	مالی	جانی		
زن	2/61	2/38	2/78	2/71	2/67		
مرد	3/47	3/17	3/22	3/61	3/59		
مجرد	2/77	2/50	2/84	2/89	2/85		
تاهل	3/39	3/12	3/21	3/50	3/48		
محل	3/53	3/16	3/26	3/77	3/69		
سکونت	2/64	2/46	2/79	2/66	2/66		

به ترتیب گروه‌های سنی 60-64 ساله (3/86)، 49-40 ساله (3/61) و 59-50 ساله (3/37) دارای بیشترین احساس امنیت اجتماعی بوده‌اند. همچنین گروه سنی 60-64 ساله در همه ابعاد (جانی، مالی، شغلی و اخلاقی)، دارای احساس امنیت بیشتری نسبت به سایر گروه‌های سنی بوده است. نسبت F برابر با 26/642 است که از نظر آماری معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

به ترتیب افراد بی‌سواد (3/66)، افراد دارای تحصیلات ابتدایی (3/12) و افراد دارای تحصیلات راهنمایی (3/12) دارای بیشترین احساس امنیت اجتماعی بوده‌اند. همچنین افراد بی‌سواد، در همه ابعاد (جانی، مالی، شغلی و اخلاقی)، دارای احساس امنیت بیشتری نسبت به سایر گروه‌های سنی بوده است. نسبت F برابر با 3/304 است که از نظر آماری معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود. نتایج بیانگر این هستند که افراد بی‌سواد با افراد دارای تحصیلات ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دیپلم و دانشگاهی دارای تفاوت معناداری بوده است. ولی سایر گروه‌های تحصیلی دارای تفاوت معناداری با یکدیگر نبوده‌اند.

مقدار t نشان می‌دهد میزان پیشگیری از وقوع جرایم توسط پلیس بطور معناداری با صفر تفاوت دارد، بنابراین فرضیه فوق تأیید می‌شود. ضریب بتا هم نشان می‌دهد با افزایش یک واحد میزان پیشگیری از وقوع جرایم توسط پلیس، 0/27 بر احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان اضافه می‌شود. میزان تأثیر کل متغیر میزان پیشگیری از وقوع

جرایم توسط پلیس بر متغیر احساس امنیت اجتماعی 0/40 است. این متغیر 0/21 واریانس متغیر احساس امنیت اجتماعی را تبیین می‌کند. خطای استاندارد هم نشان می‌دهد دقت برآورد مطلوب است.

مقدار t نشان می‌دهد متغیر رایة خدمات اجتماعی توسط پلیس بطور معناداری با صفر تفاوت دارد. بنابراین نتیجه می‌گیریم فرضیه فوق تأیید می‌شود. ضریب بتا هم نشان می‌دهد با افزایش یک واحد متغیر رایة خدمات اجتماعی توسط پلیس، 0/12 بر احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان اضافه می‌شود. میزان تأثیر کل متغیر رایة خدمات اجتماعی توسط پلیس بر متغیر احساس امنیت اجتماعی 0/42 است. خطای استاندارد 0/12 است که نشان می‌دهد دقت برآورد در حد مطلوبی است.

از مقدار t نتیجه گرفته می‌شود میزان رضایتمندی از پلیس بطور معناداری با صفر تفاوت دارد و فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود. ضریب بتا نشان می‌دهد با افزایش یک واحد میزان رضایتمندی از پلیس، 0/15 بر احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان اضافه می‌شود. میزان تأثیر کل متغیر میزان پیشگیری از وقوع جرایم توسط پلیس بر متغیر احساس امنیت اجتماعی 0/18 است. میزان پیشگیری از وقوع جرایم توسط پلیس 0/21 واریانس متغیر احساس امنیت اجتماعی را تبیین می‌کند. خطای استاندارد هم نشان می‌دهد دقت برآوردها مطلوب است.

نتایج نشان می‌دهد مقدار t بطور معناداری با صفر تفاوت دارد، بنابراین فرضیه تأثیر میزان همکاری و مشارکت با پلیس بر احساس امنیت اجتماعی تأیید می‌شود. ضریب بتا هم نشان می‌دهد با افزایش یک واحد از میزان همکاری و مشارکت با پلیس، 0/23 بر احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان اضافه می‌شود. میزان تأثیر کل این متغیر بر احساس امنیت اجتماعی 0/23 بوده است. این متغیر 0/15 واریانس متغیر احساس امنیت اجتماعی را تبیین می‌کند. خطای استاندارد هم نشان می‌دهد دقت برآوردها در حد مطلوب است.

با توجه به مقدار t می‌توان گفت میزان اعتماد به پلیس بطور معناداری با صفر تفاوت دارد و فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود. ضریب بتا هم نشان می‌دهد با افزایش یک واحد متغیر میزان اعتماد به پلیس، 0/10 بر احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان اضافه

می‌شود. میزان تأثیر کل این متغیر بر متغیر احساس امنیت اجتماعی 0/14 است. میزان پیشگیری از وقوع جرایم توسط پلیس 0/08 واریانس متغیر احساس امنیت اجتماعی را تبیین می‌کند. خطای استاندارد هم بیانگر دقت مطلوب برآورد است.

از مقدار t نتیجه می‌گیریم میزان احساس آنومی بطور معناداری با صفر تفاوت دارد. بنابراین نتیجه می‌گیریم فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود. ضریب بتا هم نشان می‌دهد با افزایش یک واحد میزان احساس آنومی، 0/22 از احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان کاسته می‌شود. میزان تأثیر کل متغیر احساس آنومی بر متغیر احساس امنیت اجتماعی 0/30 است. میزان احساس آنومی، 0/10 واریانس متغیر احساس امنیت اجتماعی را تبیین می‌کند. خطای استاندارد هم نشان می‌دهد دقت برآورد مطلوب است. خلاصه میزان تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش در جداول زیر ارائه شده است:

جدول 6- ضرایب تعیین و تأثیرات متغیرهای مستقل پژوهش بر احساس امنیت اجتماعی

R ²	تأثیر			t	β	b	خطای استاندارد	احساس امنیت اجتماعی
	کل	مستقیم	غیرمستقیم					
0/21	0/40	0/13	0/27	7/52	0/27	0/69	0/09	پیشگیری از وقوع جرایم
.....	0/42	0/30	0/12	3/38	0/12	0/42	0/12	ارایه خدمات اجتماعی توسط پلیس
0/21	0/18	0/03	0/15	4/29	0/15	0/50	0/12	رضایتمندی از پلیس
0/15	0/23	0/000	0/23	7/06	0/23	1/15	0/16	میزان همکاری با پلیس
0/08	0/14	0/04	0/10	3/09	0/10	0/31	0/10	اعتماد به پلیس
0/10	-0/30	-0/08	-0/22	-6/64	-0/22	-1/13	0/17	احساس آنومی

هنگامی که اثر مستقیم متغیرها (β) بررسی می‌شود، متغیرهای میزان پیشگیری از وقوع جرایم توسط پلیس (0/27)، میزان همکاری و مشارکت با پلیس (0/23)، میزان احساس آنومی (-0/22)، میزان رضایتمندی از پلیس (0/15)، میزان ارایه خدمات اجتماعی توسط پلیس (0/12) و میزان اعتماد به پلیس (0/10) به ترتیب مهمترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده احساس امنیت اجتماعی هستند. اما وقتی اثر کل متغیرها (مستقیم و غیرمستقیم) بررسی می‌شود، متغیرهای میزان ارایه خدمات اجتماعی توسط پلیس (0/42)، میزان پیشگیری از وقوع جرایم توسط پلیس (0/40)، میزان احساس آنومی (-0/30)، میزان همکاری و مشارکت با پلیس (0/23)، میزان رضایتمندی از

پلیس (0/18) و میزان اعتماد به پلیس (0/14) به ترتیب مهمترین متغیرهای پیش‌بینی کننده احساس امنیت اجتماعی هستند. معادله رگرسیون با متغیرهای پژوهش عبارت است از:

(اعتماد) 0/10 + (ارایه خدمات) 0/12 + (رضایتمندی) 0/15 + (آنومی) 0/22 -
(مشارکت) 0/23 + (پیشگیری) 0/27 = امنیت

این متغیرها در کل 47 درصد از واریانس متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی را تبیین نمودند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد بین جنس و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. این یافته همسو با نظریه آسیب‌پذیری و یافته‌های پژوهش‌های حسینی اخگر و دیگران (1395) است. میانگین احساس امنیت اجتماعی زنان 2/61 و میانگین احساس امنیت اجتماعی مردان 3/47 بوده است. از دلایل کمتر بودن احساس امنیت اجتماعی زنان نسبت به مردان می‌توان به کمتر بودن توان جسمانی آنها نسبت به مردان، نگرانی از تجاوز و آزار جنسی (آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهر یا جابجایی با ماشین‌های شخصی و...)، تجربه خشونت خانگی، شیوه اجتماعی شدن زن‌ها که فرصت‌ها، محدودیت‌ها و اشکال مختلفی از احساس امنیت را شکل می‌دهد و... اشاره کرد.

یافته‌های این پژوهش مغایر با یافته‌های پژوهش حسینی اخگر و دیگران (1395) است و نشان داد احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است و متأهل‌ها دارای احساس امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به مجردها هستند. میانگین احساس امنیت اجتماعی افراد مجرد 2/77 و میانگین احساس امنیت اجتماعی افراد متأهل 3/39 است. افراد مجرد در همه ابعاد احساس امنیت اجتماعی (جانی، مالی، شغلی و اخلاقی)، احساس امنیت کمتری نسبت به افراد متأهل داشته‌اند.

طبق یافته‌ها، احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان بر حسب محل سکونت پاسخگویان متفاوت است. میانگین احساس امنیت اجتماعی افراد ساکن در روستا 3/53

و میانگین احساس امنیت افراد ساکن در شهر 2/64 می‌باشد. افراد ساکن در شهر در همه ابعاد امنیت اجتماعی، احساس امنیت کمتری نسبت به افراد ساکن در روستا داشته‌اند. این نتیجه هماهنگ با نظریه آسیب‌پذیری و نتایج پژوهش‌های انتظاری و دیگران (1394) و حسینی اخگر و دیگران (1395) است. در توجیه این نتیجه می‌توان گفت در روستا همبستگی از نوع مکانیکی است و هنجارهای مستقر و پایداری بر روابط اجتماعی حکم فرماست که الگوهای رفتار، وظایف و انتظارات افراد جامعه را مشخص می‌سازند. این حضور ارزش‌ها و باورهای مشترک، پیوند و علقه‌های جمعی را افزایش می‌دهد، امیال و خواست‌های افراد را مهار می‌کند، امکان تعدی به حقوق، مال و جان دیگران و ریسک‌پذیری آزار رساندن افراد به یکدیگر را کاهش داده و در مجموع باعث پیدایش احساس امنیت بیشتر افراد ساکن در روستا نسبت به شهر می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد بین سن و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود است. به ترتیب گروه‌های سنی 60-64 ساله، 40-49 ساله و 50-59 ساله دارای بیشترین احساس امنیت اجتماعی بوده‌اند. همچنین گروه سنی 60-64 ساله در همه ابعاد امنیت اجتماعی (جانی، مالی، شغلی و اخلاقی)، دارای احساس امنیت بیشتری نسبت به سایر گروه‌های سنی بوده‌اند. چون سن بر اساس درآمد، اشتغال و تجربه‌ها و ارزش‌های درونی شده در مقاطع مختلف متفاوت است، بنابراین احساس امنیت اجتماعی فرد نیز در مراحل مختلف سنی متفاوت است. مسن‌ترها در مقایسه با دیگر گروه‌های سنی، کمتر در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند. همچنین افراد مسن بیش از دیگران می‌ترسند و این ترس آنها را بیشتر در خانه‌هایشان محبوس می‌کند.

یافته‌ها نشان داد بین تحصیلات و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد که همسو با نظریه آسیب‌پذیری و نتایج انتظاری و دیگران (1394) و حسینی اخگر و دیگران (1395) می‌باشد. و به ترتیب افراد بی‌سواد، افراد دارای تحصیلات ابتدایی و افراد دارای تحصیلات راهنمایی دارای بیشترین احساس امنیت اجتماعی بوده‌اند. همچنین افراد بی‌سواد، در همه ابعاد امنیت اجتماعی (جانی، مالی، شغلی و اخلاقی)، دارای احساس امنیت بیشتری نسبت به سایر افراد بوده‌اند. کمتر بودن احساس امنیت اجتماعی افراد تحصیل کرده را می‌توان به سطح آگاهی و اطلاعات بالاتر آنها و دقیق‌تر و موشکافانه‌تر دیدن مسائل توسط آنها نسبت داد. تحصیلات باعث ایجاد اشکال جدیدی

از نظرات و درک از جهان می‌شود و باعث اسطوره زدایی می‌گردد و سرانجام قضاوت‌ها، ارزش‌ها و روابط اجتماعی را به هنجارهای خاصی مبدل می‌کند.

طبق یافته‌های این پژوهش یکی از عوامل مرتبط با احساس امنیت اجتماعی، میزان پیشگیری از وقوع جرایم توسط پلیس است. این نتیجه همسو با نتایج پژوهش‌های سلطانی بهرام و دیگران (1394)، انتظاری و دیگران (1394)، حسینی اخگر و دیگران (1395)، فرج پور و دیگران (1397) و تومالوویکس و همکاران (2016) است. پیشگیری باعث شناسایی و برآورد عوامل خطرزای جرم، شناخت زود هنگام شرایط جرم‌زا و نفوذهای بر شرایط، جلوگیری از تکرار جرم توسط بزهکاران پیشین و کاهش فرصت برای آنها و ... و در انتها کاهش جرم در جامعه می‌شود. وقتی جرم در جامعه کاهش یابد باعث افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شود. همچنین تا هنگامی که مسأله پیشگیری از جرایم ماهیت مردمی پیدا نکند، نباید انتظار موفقیت در این امر، کاهش وقوع جرم و افزایش احساس امنیت اجتماعی را داشت.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین میزان آرایه خدمات اجتماعی توسط پلیس و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. این نتیجه با نتیجه پژوهش‌های انتظاری و دیگران (1394)، حسینی اخگر و دیگران (1395)، فرج پور و دیگران (1397) و تومالوویکس و همکاران (2016) هماهنگ است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان رضایتمندی از پلیس با احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. که این یافته هماهنگ با نتیجه پژوهش انتظاری و دیگران (1394)، حسینی اخگر و دیگران (1395)، فرج پور و دیگران (1397) و تومالوویکس و همکاران (2016) است. میزان رضایتمندی 32/6 درصد پاسخگویان زیاد یا خیلی زیاد بوده است. 67/4 درصد پاسخگویان هم رضایتمندی خیلی کم، کم یا تاحدودی از پلیس داشته‌اند. کم بودن رضایتمندی پاسخگویان ممکن است محصول برخورد مستقیم پاسخگویان با پلیس یا میزان آرایه خدمات و عملکرد پلیس باشد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد بین میزان همکاری و مشارکت با پلیس با احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد که همسو با نتایج سلطانی بهرام و دیگران (1394)، انتظاری و دیگران (1394)، فرج پور و دیگران (1397) و دسترنج و دیانت (1397) است

نتایج نشان داده فقط 1/4 درصد پاسخگویان مشارکت زیادی با پلیس داشته‌اند. دلایل مختلفی می‌تواند موجب کاهش مشارکت مردم شود. مانند وجود نابرابری اجتماعی در جامعه، عدم اعتماد، رضایتمندی و احساس محرومیت نسبی در بین افراد جامعه.

طبق یافته‌های این پژوهش یکی از عوامل مرتبط با احساس امنیت اجتماعی، میزان اعتماد پاسخگویان به پلیس است. این نتیجه همسو با نتایج پژوهش‌های انتظاری و دیگران (1394)، حسینی اخگر و دیگران (1395)، فرج پور و دیگران (1397)، دسترنج و دیانت (1397) و تومالاولیکس و همکاران (2016) است. 47/9 درصد پاسخگویان اعتماد زیاد یا خیلی زیاد و 52/1 درصد کم یا تاحدودی به پلیس اعتماد داشته‌اند. در مجموع اعتماد به پلیس مطلوب و در حد متوسط رو به بالا است. باید توجه داشت که در جامعه ما، پلیس نقش اساسی را در حفظ امنیت در جامعه بر عهده دارد. بنابراین اعتبار و اعتماد مردم به این نهاد بسیار مهم و ضروری است. اهمیت و ضرورت اعتماد به پلیس از آنجا ناشی می‌شود که پلیس خود یکی از عناصر اعتمادساز در جامعه محسوب می‌شود. وجود اعتماد باعث پیدایش آرامش، امنیت و سلامت روانی خواهد گردید. هنگامی که اعتماد وجود داشته باشد، افراد دغدغه‌هایی نظیر به مخاطره افتادن نیازها و خواسته‌های خود را ندارند. هر چه اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. همکاری و مشارکت آحاد مختلف مردم در امور جامعه به میزان اعتماد متقابل بین آنها و ارکان مختلف حکومتی مثل پلیس بستگی دارد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد بین احساس آنومی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. زمانی که افراد قادر به یافتن ارزش‌های مثبت و پایدار در فرهنگ و مذهب یا ایدئولوژی نباشند، ایده‌هایشان به هم می‌ریزد و دچار احساس آنومی می‌شوند. افرادی که دچار احساس آنومی می‌شوند، احساس پوچی، از خود بیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند و این عوامل باعث می‌شود احساس امنیت اجتماعی کمتری پیدا نمایند.

پیشنهادها

- مناطق بحرانی جرم‌خیز و آلوده، شناسایی شوند و پلیس با استقرار پاسگاه‌های موقت و دائم و گشت‌زنی دائم در این مناطق احساس امنیت اجتماعی را ارتقاء دهد. همچنین قابل دسترس بودن گشت‌های ویژه در ساعات جرم‌خیز بیشتر شود؛

- پلیس باید فضای جامعه برای افراد مجرم و خلافکار را، ناامن کند. در برخی از مناطق به دلیل عدم وجود یا دوری پاسگاه‌های نیروی انتظامی از محل، ارادل و اوباش فرصت مناسبی می‌یابند که آسایش مردم را مختل سازند. بنابراین باید برای افزایش احساس امنیت اجتماعی نیروی انتظامی هم تعداد پاسگاه‌ها در سطح شهر را افزایش دهد و هم با حضور مأموران نیروی انتظامی در خیابان از ایجاد مزاحمت برای این دسته از افراد جلوگیری به عمل آید.
- پلیس می‌تواند از طریق آموزش عمومی، با برپایی نمایشگاه‌ها و تهیه بروشورهای مناسب، نصب تابلوها و پلاکاردهای آموزشی و یا هشداردهنده در مکان‌های عمومی میزان آگاهی مردم را در مورد نحوه محافظت از جان، مال، محله و ... ارتقاء دهد؛
- نگاه غالب جامعه این است که مسئول امنیت اجتماعی پلیس است، ولی امنیت اجتماعی از مردم و برای مردم است. عامل اصلی خود مردم هستند و پلیس، مکمل حضور مردم است. براساس این رویکرد باید بر حس مشارکت و تعاون و همچنین عرق محله‌ای مردم سرمایه‌گذاری شود. می‌توان از طریق پایگاه‌های مردمی چون بسیج، مساجد، شوراها و ... در راستای تحقق اهداف مأموریتی نیروی انتظامی اقدام نمود؛
- یک راه مهم برای افزایش مشارکت مردم، آگاهی دادن به آنهاست. اگر انسان‌ها به حقوق خود آشنا باشند و اهمیت موضوع و تبعات ناخوشایند ناامنی را درک کنند، مشارکت خود را افزایش خواهند داد. به همین منظور لازم است آگاهی‌های متناسب و مورد نیاز مثل آگاهی از حقوق فردی و اجتماعی، آگاهی از خطرها و تهدیدها، آگاهی از ثمرات امنیت و ... به آنان ارائه گردد؛
- برای امنیت اجتماعی زنان، پارک‌های مخصوص زنان جهت تأمین آرامش آنها، افزایش تاکسی‌های ویژه برای خدمات رسانی بیشتر به زنان، برابری فرصت در فضای شهری، امنیت تحرک و تردد و ... انجام شود.

تقدیر و تشکر

در پایان بر خود لازم می‌دانم از مسئولین دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان همدان به خاطر مساعدت در انجام این پژوهش، نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم.

- آراسته خو، محمد (1381). فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی. تهران: پاپخش.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلام رضا (1380). «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی بین نواحی روستایی شهر کاشان». نامه علوم اجتماعی، شماره 17، صص 3 - 31. بازیابی از: https://jnoe.ut.ac.ir/article_15215.html
- افشار، زین العابدین (1385). بررسی امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- انتظاری، علی؛ اسدپور، عهدیه و احمدی آهنگ، کاظم (1394). «احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش پلیس (مورد مطالعه: شهر نور)». فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هفتم، شماره 4، صص 7 - 34. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=298268>
- تاجران، عزیزالله و کلاکی حسن (1388). «بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال چهارم، شماره 4، صص 561 - 586. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=126533>
- حامد مقدم، احمد (1373). مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی. مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی توسعه، تهران: سمت. جلد دوم.
- حسینی، حسین (1386). «مدیریت احساس امنیت در جامعه». فصلنامه امنیت، سال ششم، شماره 1، صص 111 - 148. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=101829>
- حسینی اخگر، سیده معصومه؛ بلالی، اسماعیل و مختاری، مریم (1393). «مطالعه عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان (با تکیه بر نگرش به عملکرد پلیس)». فصلنامه تخصصی دانش انتظامی همدان، دوره اول، شماره 1، صص 23 - 54. بازیابی از: http://journals.police.ir/article_17208.html
- حسینی اخگر، سیده معصومه؛ بلالی، اسماعیل و مختاری، مریم (1395). «احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان و عوامل مؤثر بر آن (با تکیه بر نگرش به عملکرد پلیس)». فصلنامه تخصصی دانش انتظامی همدان، دوره سوم، شماره 8، صص 81 - 112. بازیابی از: http://journals.police.ir/article_17255.html
- دسترنج، منصوره و دیانت، محسن (1397). «تبیین رابطه سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی در شهر بندرعباس». فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره 1، صص 71 - 90. بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/395001/>

- ساروخانی، باقر و نویدنیا، منیژه (1385). «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت؛ در تهران». فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره 22، صص 87 - 106. بازیابی از:
http://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=2101&sid=1&slc_lang=fa
- سلطانی بهرام، سعید؛ دانش، لیلا و علی‌نژاد، رقیه (1394). «مطالعه نقش پیشگیری انتظامی از جرم بر احساس امنیت شهروندان تبریزی». مطالعات جامعه‌شناسی، سال هشتم، شماره 29، صص 39 - 56. بازیابی از:
http://jss.iaut.ac.ir/article_525184.html
- صالحی امیری، سیدرضا و افشاری نادری، افسر (1390). «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران». فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره 59، صص 49 - 76. بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/272996>
- صمدی بگه جان، جمیل (1384). امنیت اجتماعی در شهر سنندج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- علی نژاد، منوچهر (1388). «رویکردهای نظری به مسأله پیشگیری از جرم». فصلنامه امنیت و نظم، سال چهارم، شماره 11، صص 171-192. بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1025622/>
- فرج پور، مریم؛ ایزدی، احمد و رضائی، نورمحمد (1397). «بررسی عملکرد پلیس بر احساس امنیت عمومی از دیدگاه شهروندان». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی 41)، صص 75-100. بازیابی از:
http://journals.police.ir/article_18726.html
- قدسی، علی محمد؛ نقدی، اسداله و رویین تن، محبوبه (1396). «تصور ذهنی و تجربه عینی زنان از امنیت (مورد مطالعه: زنان شاغل در بخش غیررسمی در شهر همدان)». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ششم، شماره 2، صص 285 - 306. بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/375457/>
- کریمی، علی اعظم؛ مرادیان، محسن و عباسی، علی (1389). «نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی». فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره 2، صص 7 - 50. بازیابی از:
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=140766>
- گیدنز، آنتونی (1377). پیامدهای مدرنیته. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات مرکز.
- محسنی تبریزی، منوچهر (1375). بررسی آگاهی‌ها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مظلوم خراسانی، محمد و اسمعیلی، عطاء (1389). «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان شهر مشهد در سال 86-1385 و عوامل مؤثر بر آن». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هفتم، شماره 2، صص 219 - 251. بازیابی از: <https://social.um.ac.ir/article/view/15834>
- نبوی، سید عبدالحسین؛ حسین زاده، علی حسین و حسینی، سیده هاجر (1388). «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی». فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره 2، صص 9 - 36. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=105401>
- نبوی، سید عبدالحسین؛ حسین زاده، علی حسین و حسینی، سیده هاجر (1389). «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی». جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره 4 (پیاپی 40)، صص 73 - 96. بازیابی از: http://jas.ui.ac.ir/article_18208.html
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (1379). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول): یافته‌های پیمایش در 28 مرکز استان کشور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (1382). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم): یافته‌های پیمایش در 28 مرکز استان کشور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Boers, K., (2003). Crime, fear of crime and the operation of crime control in the light of victim surveys and other empirical studies. Paper presented at 22nd criminological research conference, Stasbourg.
- Giddens, A., (2002). Living in a post-traditional society, Reflexive modernization. Ulrich Beck, Anthony Giddens & Scott Lash, fifth print.
- Helne, T. (2010). Seeking safety in worlds, (Eco) Social security in the world risk society. <http://esc.Cluboframe.org/perspective/>.
- Skogan W. G. & Maxfield, M., (1980). Coping with crime: Victimization, fear and reactions to crime in three American cities. Northwestern University, Centre for urban affairs.
- Tumalavičius, V., Ivančiks, J & Karpishchenko, O. (2016). Issues of society security: public safety under globalization conditions in Lithuania. Journal of security and sustainability issues, 4 (9), 545-573.